

معیارهای «هدایت و کنترل» در پرتو مسئولیت مشترک در روبه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر

سعید مختاری (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

Hofarigon@gmail.com

محمد ستایش پور

دانشیار، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

mohamadsetayeshpur@yahoo.com

قابل انتشار در دوره ۲۶ شماره ۷۱ (پاییز ۱۴۰۶) نشریه پژوهشهای حقوقی

چکیده

مفهوم هدایت و کنترل در چارچوب حقوق مسئولیت بین المللی بر اساس ماده ۱۷ از مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل در خصوص مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین المللی، مستلزم وجود «تسلط واقعی» و «هدایت عملیاتی» یک دولت بر رفتار شخص بین المللی دیگر است تا اعمال متخلفانه به دولت هدایت کننده نسبت داده شود. با این حال، دیوان اروپایی حقوق بشر در روبه قضایی خود، این معیارهای سختگیرانه را با تمرکز بر حفاظت از حقوق بشر و پاسخگویی زیان‌دیده‌محور تعدیل کرده و به مدل‌های انعطاف‌پذیرتری مانند کنترل کلی، کنترل مکانی و مانند آنها روی آورده است. اهمیت این موضوع در پر کردن شکاف‌های مسئولیت در سناریوهای پیچیده مانند عملیات چندملیتی، اشغال‌های هیبریدی و درگیری‌های مسلحانه نهفته بود. مقاله اهمیت هدایت و کنترل را در تقویت تعهدات ارگا امنس برجسته ساخت. سوال اصلی تحقیق بر چگونگی تعدیل معیارهای کمیسیون حقوق بین الملل توسط دیوان برای تضمین حمایت مؤثر از حقوق بشر تمرکز داشت و فرضیه اصلی مبتنی بر انعطاف‌پذیری دیوان در کاهش آستانه‌های انتساب بود. روش مطالعه بهره‌مندی از مطالعات کتابخانه‌ای مرتبط با موضوع و مبتنی بر تحلیل کیفی آرای کلیدی دیوان و اسناد کمیسیون حقوق بین الملل است. در این مطالعه این نتیجه حاصل شد که رویکرد کاربردی‌تر و منعطف‌تر دیوان اروپایی حقوق بشر نسبت به معیارهای سختگیرانه کمیسیون حقوق بین الملل، مسئولیت دولت‌ها و دامنه جبران خسارت زیان‌دیدگان را افزایش می‌دهد.

کلمات کلیدی: هدایت و کنترل، کنترل مؤثر، انتساب، مسئولیت مشترک، دیوان اروپایی حقوق بشر.

The criteria of "direction and control" in the light of shared responsibility in the jurisprudence of the European Court of Human Rights

Abstract

The concept of direction and control within the framework of international state responsibility law, pursuant to Article 17 of the ILC's 2001 Articles on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, necessitates the existence of "actual domination" and "operational direction" by one state over the conduct of another international actor, such that wrongful acts may be attributed to the directing state. However, the European Court of Human Rights (ECtHR), in its jurisprudence, has tempered these rigorous criteria by prioritizing human rights protection and victim-centered accountability, adopting more flexible models such as overall control, spatial control, and analogous approaches. The significance of this issue resides in addressing accountability gaps in complex scenarios, including multinational operations, hybrid occupations, and armed conflicts. The article underscores the importance of direction and control in bolstering erga omnes obligations. The principal research question centers on the manner in which the ECtHR adapts the ILC's criteria to ensure effective human rights safeguards, with the core hypothesis predicated on the ECtHR's flexibility in lowering attribution thresholds. The methodological approach draws on pertinent library-based studies, grounded in a qualitative analysis of key Court judgments and ILC documents. This study concludes that the more pragmatic and adaptable approach of the ECtHR relative to the stringent criteria of the ILC, enhances state responsibility and expands the scope of remedies available to victims.

Keywords: Direction and Control, Effective Control, Attribution, Shared Responsibility, European Court of Human Rights.

مفهوم «هدایت و کنترل» در حقوق مسئولیت بین‌المللی، سازوکاری محوری برای انتساب اعمال متخلفانه بین‌المللی به دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی در زمانی است که آنها نفوذ غالب خود را بر رفتار نهاد دیگری اعمال می‌کنند. سابقه مباحث مربوط به این مفهوم بیشتر به دورانی برمی‌گردد که در جامعه بین‌المللی موضوعاتی مانند روابط تحت‌الحمایگی یا تیولداری رواج داشت و مسئولیت رفتار دولت تحت‌الحمایه اغلب به دولت حامی منتسب می‌شد. یکی از اولین نمونه‌های طرح این بحث در دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «حقوق اتباع ایالات متحده در مراکش»^۱ بود که تحت‌الحمایه کشور فرانسه بود. معیار مدنظر دیوان «کنترل مؤثر» دولت هدایت‌کننده بر رفتار دولت مباشر بود که در پرونده «نیکاراگوئه علیه ایالات متحده»^۲ به تفصیل بحث و بررسی شد. بعدتر دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ^۳ معیار «کنترل کلی» که آزمون کمتر سختگیرانه‌ای بود مد نظر قرار داد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت بابت عمل متخلفانه بین‌المللی (از این به بعد مواد ۲۰۰۱) مواد اختصاصی‌ای را گنجانده که بحث «هدایت و کنترل» را شفاف می‌کنند. ماده ۱۷ درباره هدایت و کنترل و ماده ۱۶ درباره کمک و مساعدت، و همچنین مواد ۸ تا ۱۱ که موارد مربوط به انتساب را تنظیم می‌کنند، نشان‌دهنده تلاش کمیسیون برای ارائه قواعدی متنوع است. با این حال، تفاسیر این مواد در ارتباط با تمایز عملی بین کنترل مؤثر و کنترل کلی موضوع بحث نظری و قضایی باقی ماند؛ از جمله، متن و تبیین‌های کمیسیون به صورتی نوشته شده‌اند که مقامات قضایی بتوانند هم به معیارهای سخت‌تر و هم به معیارهای کمتر سخت‌گیرانه رجوعیت بدهند ولی دیوان‌ها (خصوصاً دیوان بین‌المللی دادگستری) در عمل گرایش به معیار سخت‌تر «کنترل مؤثر» نشان دادند.

همانطور که در ماده ۱۷ مجموعه مواد ۲۰۰۱ آمده است، یک دولت در صورتی که دولت دیگری را در ارتکاب یک فعل متخلفانه هدایت و کنترل کند، مسئولیت دارد؛ مشروط بر اینکه از شرایط آگاه بوده باشد و آن عمل اگر توسط خودش انجام می‌شد، متخلفانه می‌بود.^۴ این ماده که در ماده ۱۵ از مواد مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی نیز منعکس شده است، آستانه بالایی از «تسلط واقعی» را می‌طلبد و بر «هدایت واقعی از نوع عملیاتی» و «تسلط بر رفتار متخلفانه» تأکید می‌کند،^۵ که متمایز از نفوذ یا نظارت صرف است.^۶ در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر (از این به بعد دیوان)، این مفهوم با انتساب رفتار تحت ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (از این به بعد کنوانسیون) تالاقی دارد، که دولت‌ها را موظف می‌کند حقوق کنوانسیون را برای همه افراد در حوزه صلاحیت خود تضمین کنند، که اغلب از طریق مفاهیمی مانند «کنترل مؤثر» یا «اقتدار و کنترل نهایی» به صورت فراسرزمینی گسترش می‌یابد.^۷ رویه قضایی دیوان اغلب با قواعد انتساب تالاقی دارد، همانطور که در پرونده‌هایی مانند «بهرامی و

^۱ Rights of Nationals of the United States of America in Morocco, p. 176.

^۲ International Court of Justice. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment of 27 June 1986. I.C.J. Reports 1986. (متن حکم در وبسایت رسمی). (دیوان).

^۳ International Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY). Prosecutor v. Duško Tadić (Appeal Judgment), IT-94-1-A, 15 July 1999.

^۴ International Law Commission, "Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts," UN Doc. A/56/10 (2001), art. 17.

^۵ امیرحسین ملکی‌زاده، «ضابطه کنترل در نظام مسئولیت بین‌المللی؛ وحدت یا تعارض رویه قضایی بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری ۷۷، ش.

۸۲ (۱۳۹۲): ۱۶۲.

^۶ International Law Commission, "Draft Articles on Responsibility of International Organizations," UN Doc. A/66/10 (2011), art. 14; see also ILC Commentary to ARSIWA, ibid., at 69.

^۷ Council of Europe, European Convention on Human Rights, 4 November 1950, ETS 5, art. 1; ECtHR, Behrami and Saramati v. France and Norway, App. Nos. 71412/01 and 78166/01, Judgment (Grand Chamber), 2 May 2007, para. 151.

ساراماتی علیه فرانسه و نروژ»^۸ دیده می‌شود، یعنی جایی که اعمال «نیروهای حافظ صلح در کوزوو»^۹ به دلیل «اختیار و کنترل نهایی» سازمان ملل متحد به سازمان ملل متحد نسبت داده شد و نه به کشورهای مشارکت‌کننده در این عملیات.^{۱۰} این چارچوب با وجود انتقاداتی مبنی بر اینکه دیوان گاهی اوقات صلاحیت، انتساب و مسئولیت را با هم ترکیب می‌کند و منجر به شکاف‌های پاسخگویی می‌شود، در پرونده‌های بعدی دیوان تکامل بیشتری یافته است.

در عرصه حقوق مسئولیت بین‌المللی، مفهوم مسئولیت مشترک به عنوان سازوکاری کلیدی برای پرداختن به سناریوهایی ظاهر شده است که چندین بازیگر بین‌المللی - اعم از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی یا نهادهای غیردولتی - در ارتکاب یک فعل متخلفانه یا ایجاد آسیب غیرقابل تقسیم مشارکت دارند. این مفهوم، که ریشه در ماده ۴۷ مجموعه مواد ۲۰۰۱ دارد، مسئولیت مستقل و کامل هر بازیگر را بدون تخفیف مقرر می‌کند؛ در حالی که اصول راهنمای مسئولیت مشترک (از این به بعد اصول راهنما) این چارچوب را با تمرکز بر بازتوزیع مسئولیت بر اساس سهم، درجه‌بندی و علّیت گسترش می‌دهد.^{۱۱} در این میان، هدایت و کنترل به عنوان یکی از اشکال کلیدی کنترل سلسله‌مراتبی (اصل ۸ از اصول راهنما) عمل می‌کند و مسئولیت اجبارکننده یا هدایت‌کننده را در موارد مشارکت چندجانبه افزایش می‌دهد.^{۱۲} دیوان، به عنوان نهادی پیشرو در حفاظت از حقوق بشر، این مفاهیم را در رویه قضایی خود ادغام کرده و با تمرکز بر پاسخگویی زیان‌دیده‌محور، آزمون‌های سختگیرانه کمیسیون حقوق بین‌الملل (از این به بعد کمیسیون) را تعدیل نموده است.^{۱۳} این مطالعه با هدف واکاوی تعامل هدایت و کنترل با مسئولیت مشترک در رویه قضایی دیوان، بر پایه تحلیل کیفی آرای کلیدی و اسناد بین‌المللی، به بررسی چگونگی تکامل این رویکرد می‌پردازد.

اهمیت موضوع هدایت و کنترل در نقش این مفهوم در پرداختن به شکاف‌های پاسخگویی در سناریوهای چندوجهی، مانند اشغال‌های نظامی، عملیات‌های حفظ صلح و درگیری‌های ترکیبی، نهفته است که در آن‌ها انتساب مستقیم ممکن است توسط بازیگران نیابتی یا مأموریت‌های بین‌المللی مورد پنهان‌کاری واقع شود. همانطور که راینیش^{۱۴} در تحلیل مهم خود از این موضوع تأکید می‌کند، تطبیق این مفاهیم کمیسیون با زمینه‌های حقوق بشری می‌تواند به ویژه هنگامی که کمک‌های مالی یا عملیاتی طبق ماده ۱۳ مواد ۲۰۱۱ در مورد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در خصوص کمک یا مساعدت، جهت‌گیری مبهمی به سمت و سوی هدایت و کنترل پیدا می‌کنند، موجب آشکار شدن تنش‌هایی گردد.^{۱۵} برای مثال، در پرونده‌های مرتبط با تحریم‌ها مانند پرونده «نادا علیه سوئیس»،^{۱۶} دیوان به طور ضمنی به دستورالعمل‌های دولتی ذیل مأموریت‌های سازمان‌های بین‌المللی اشاره کرد.^{۱۷} در دورانی که اختلافات بین دولت‌ها و جنگ‌های ترکیبی رو به افزایش است، درک رویه دیوان تضمین می‌کند که قربانیان و زیان‌دیدگان نقض حقوق بشر - از بازداشت‌های غیرقانونی گرفته تا انتقال‌های اجباری - بتوانند به راه‌حل‌های جبرانی دسترسی داشته باشند و این امر ماهیت عام‌الشمول بودن^{۱۸} تعهدات حقوق بشری را تقویت می‌کند.

^۸ Behrami and Saramati v. France and Norway (2007).

^۹ Kosovo Force (KFOR).

^{۱۰} ECtHR, Behrami and Saramati v. France and Norway, App. No. 71412/01, Judgment (Grand Chamber), May 2, 2007, para. 151.

^{۱۱} André Nollkaemper et al., "Guiding Principles on Shared Responsibility in International Law," *European Journal of International Law* 31, no. 1 (2020): 15-72, Principle 2.

^{۱۲} *Ibid.*, Principle 8(2).

^{۱۳} محمدرضا ضیایی بیگدلی و نسرين ترازى، «تحليل قواعد انتساب در مسئولیت بین‌المللی مشترک»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۵۱، ش. ۱.

(۱۴۰۰): ۸۹.

^{۱۴} August Reinisch.

^{۱۵} August Reinisch, "Aid or Assistance and Direction and Control between States and International Organizations in the Commission of Internationally Wrongful Acts," *International Organizations Law Review* 7 (2010): 63-77, at 70-72.

^{۱۶} *Nada v. Switzerland* (2012).

^{۱۷} ECtHR, *Nada v. Switzerland*, App. No. 10593/08, Judgment (Grand Chamber), Sept. 12, 2012, para. 197.

^{۱۸} erga omnes.

هدف اصلی این مقاله بررسی تفسیر در حال تحول و تکامل دیوان اروپایی حقوق بشر از هدایت و کنترل در رویه قضایی آن و ارزیابی چگونگی فاصله گرفتن دیوان از فرمالیسم سختگیرانه کمیسیون، برای اولویت دادن به پاسخگویی بر محور زیان‌دیده است.^{۱۹} این امر به گفتمان گسترده‌تر در مورد مسئولیت مشترک، آن طور که در اصول راهنمای مسئولیت مشترک - که در سال ۲۰۲۰ توسط نولکمپر^{۲۰} و همکارانش تدوین شده - بیان شده است، کمک می‌کند.^{۲۱} این مقاله از تفسیری بدیع و مختص به حقوق بشر دفاع می‌کند که راهکارهای مؤثر را بر آزمون‌های کنترلی سختگیرانه اولویت می‌دهد. نوآوری مطرح در آن، ناشی از تمرکز آن بر تحولات اخیر، از جمله حکم ژوئیه ۲۰۲۵ شعبه عالی دیوان در پرونده «اوکراین و هلند علیه روسیه»^{۲۲} است که در آن دیوان با استناد به شواهد مربوط به اقدامات نظارتی تحت هدایت دولت در سرزمین‌های اشغالی، تخلفات گسترده‌ای مانند انتقال غیرقانونی کودکان اوکراینی را به روسیه نسبت داد.^{۲۳} این مقاله با ادغام تحلیل‌های مربوط به سناریوهای کمک یا مساعدت - با الهام از نقد راینیش از کمک‌های مالی که به طور بالقوه به هدایت منجر می‌شود - یک چارچوب جدید از «حقوق خاص»^{۲۴} در نظام حقوق بشر ارائه می‌دهد که آستانه‌های انتساب را برای پر کردن شکاف‌های پاسخگویی در درگیری‌های طولانی پایین می‌آورد.

سوال اصلی تحقیق این است که دیوان اروپایی حقوق بشر تا چه حد معیار «هدایت و کنترل» مطروحه توسط کمیسیون را در رویه قضایی خود برای تضمین حمایت مؤثر از حقوق بشر تطبیق داده است و این امر چگونه با مفاهیم مرتبط مانند کمک یا مساعدت تعامل دارد؟ فرضیه اصلی این مطالعه مبین این است که دیوان رویکردی انعطاف‌پذیرتر و کاربردی‌تر - با تأکید بر «کنترل کلی»^{۲۵} یا نفوذ اقتصادی - نسبت به معیار سختگیرانه‌ی «تسلط واقعی» که کمیسیون ارائه می‌نماید، اتخاذ می‌کند و در نتیجه، دامنه جبران خسارت زیان‌دیدگان را افزایش می‌دهد، در حالی که این امر خطر گسترش دامنه انتساب مسئولیت به دولت‌ها را به همراه دارد. از نظر روش‌شناسی، این مطالعه با اتخاذ رویکردی نظری، آن دسته از آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و اسناد کمیسیون را که مرتبط با موضوع هستند از طریق بررسی کیفی رویه‌های قضایی و رویکردهای حقوقی، تجزیه و تحلیل می‌کند.

تدوین موضوع هدایت و کنترل توسط کمیسیون، ناشی از نیاز به رسیدگی به سناریوهای مشابه همدستی در جرم، بدون تضعیف مسئولیت اصلی است. ماده ۱۷ مجموعه مواد ۲۰۰۱ مستلزم «هدایت و کنترل» جمعی است و شرح این مجموعه مواد بر «هدایت واقعی از نوع عملیاتی» و «تسلط بر رفتار متخلفانه» تأکید دارد.^{۲۶} با این حال، دیوان در چارچوب یک الگوی حقوق بشری عمل می‌کند، که در آن بررسی موضوع انتساب رفتار، به گسترش صلاحیت قضایی و تضمین پاسخگویی کمک می‌کند. دیوان در پرونده «لوئیزیدو علیه ترکیه»^{۲۷} معیار کنترل مؤثر را تدوین کرده و اقدامات جمهوری ترک قبرس شمالی را به دلیل وجود کنترل کلی ترکیه بر این سرزمین به این کشور نسبت داد.^{۲۸} این امر با معیار کنترل مؤثر در قضیه «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه»^{۲۹} نزد دیوان بین‌المللی دادگستری متفاوت بود که انتساب رفتار را مستلزم وجود دستورالعمل‌های خاصی برای هر

^{۱۹} سیدعلی سادات‌اخوی و حوریه حسینی اکبرنژاد، «اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، *مطالعات حقوق خصوصی* ۳۹، ش. ۴ (۱۳۸۸): ۲۵۰.

^{۲۰} André Nollkaemper.

^{۲۱} André Nollkaemper et al., "Guiding Principles on Shared Responsibility in International Law," *European Journal of International Law* 31, no. 1 (2020): 15-72.

^{۲۲} *Ukraine and the Netherlands v. Russia*, (2025).

^{۲۳} ECtHR, *Ukraine and the Netherlands v. Russia* [GC], App. Nos. 8019/16, 43800/14, 28525/20, and 11055/22, Judgment, 9 July 2025, paras. 165-174.

^{۲۴} *lex specialis*.

^{۲۵} Overall control.

^{۲۶} ILC, ARSIWA Commentary, *supra* note 3, at 69.

^{۲۷} *Loizidou v. Turkey* (1996).

^{۲۸} ECtHR, *Loizidou v. Turkey*, App. No. 15318/89, Judgment, Dec. 18, 1996, para. 52.

^{۲۹} *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua* (1986).

اقدام می‌دانست.^{۳۰} دیوان اروپایی حقوق بشر این موضوع را با توجه به مجموعه مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون اصلاح کرده و اغلب از «اختیار و کنترل نهایی»^{۳۱} برای انتساب اعمال در سناریوهای حفظ صلح یا اشغال استفاده می‌کند. برای مثال، راهنمای دیوان در مورد ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (به‌روزرسانی شده در ۲۰۲۴) صلاحیت قضایی را از انتساب متمایز می‌کند و خاطرنشان می‌سازد که اعمال در صورتی قابل انتساب هستند که تحت هدایت دولت، حتی در خارج از سرزمین آن، انجام شوند.^{۳۲} در سناریوهای درگیری‌های داخلی یا اشغال‌های هیبریدی، انتساب اعمال شورشیان یا نهادهای جدایی‌طلب به دولت حامی، بر اساس معیار کنترل مؤثر انجام می‌شود. دیوان اروپایی حقوق بشر در رویه خود، این معیار را با تمرکز بر نفوذ اقتصادی و نظامی تعدیل کرده تا مسئولیت مشترک را تقویت کند.^{۳۳} این رویکرد حاکی از دوران بلوغ در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر با پرونده‌هایی است که به طور فزاینده‌ای و به صراحت اصول به کار رفته در مجموعه مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ را پیش می‌گیرند. در این بخش به پاره‌ای از موارد کلیدی که با مفاهیم هدایت و کنترل پیوند دارند، می‌پردازیم.

پیش از آن شایان ذکر است که مسئولیت مشترک در حقوق بین‌الملل، به ویژه در نظام حقوق بشر، از تمرکز دوجانبه به کار گرفته شده در تدوین مواد ۲۰۰۱ به سمت مدل‌های چندمحوری به کار رفته در اصول راهنما تکامل یافته است. ماده ۴۷ مواد ۲۰۰۱ مسئولیت مستقل چندین دولت را برای یک فعل متخلفانه مقرر می‌دارد، اما اصول راهنما این امر را با اصول بازتوزیع (مانند اصل ۱۰ برای جبران کامل در آسیب‌های غیرقابل تقسیم) غنی‌تر می‌سازد.^{۳۴} هدایت و کنترل، طبق ماده ۱۷ مواد ۲۰۰۱، مستلزم تسلط واقعی و هدایت عملیاتی است تا فعل متخلفانه به هدایت‌کننده نسبت داده شود؛ البته مشروط بر وجود آگاهی و متخلفانه بودن فعل برای هدایت‌کننده.^{۳۵} با این حال، در نظام حقوق بشر اروپایی، دیوان این معیارها را با تأکید بر تعهدات مثبت و اصل تابعیت تعدیل کرده است.^{۳۶} همانطور که در راهنمای دیوان بر ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (به‌روزرسانی شده در فوریه ۲۰۲۴) آمده، صلاحیت و انتساب اغلب با مسئولیت مشترک تالاقی دارند، به ویژه در مواردی که چندین دولت در نقض حقوق مشارکت دارند.^{۳۷} این رویکرد، که ریشه در اصول مسئولیت مشترک دارد، دیوان را به سمت بررسی زنجیره‌های علی و کنترل ترکیبی سوق داده است.

ادبیات حقوقی بر اهمیت این تعامل تأکید دارد. نولکمپر در تحلیل خود، مسئولیت مشترک را به عنوان یک «طیف» مفهوم‌سازی می‌کند که هدایت و کنترل را به عنوان یک «بُردار» مسئولیت در آسیب‌های جمعی بازتوزیع می‌نماید.^{۳۸} میلانوویچ نیز استدلال می‌کند که در رویه دیوان، انتساب و صلاحیت اغلب ترکیب می‌شوند تا مسئولیت مشترک را در عملیات‌های فراسرزمینی تقویت کنند.^{۳۹} ضیائی بیگدلی و ترازوی تحلیل قواعد انتساب در مسئولیت مشترک را بررسی کرده و تأکید دارند که دیوان با تمرکز بر کنترل

^{۳۰} ICJ, *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States)*, Judgment, June 27, 1986, para. 115.

^{۳۱} Ultimate authority and control.

^{۳۲} ECtHR, "Guide on Article 1 of the European Convention on Human Rights," updated Feb. 20, 2024, para. 43.

^{۳۳} دلارام احمدی بختیاری و سید هادی محمودی، «چالش‌های دعاوی مسئولیت بین‌المللی مشترک در محاکم بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۵۵، ش. ۲ (۱۴۰۴): ۱۰۴۵.

^{۳۴} International Law Commission, "Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with Commentaries," UN Doc. A/56/10 (2001), art. 47.

^{۳۵} Ibid., art. 17, commentary para. 4.

^{۳۶} مسعود راعی، «کنترل کلی یا کنترل موثر عاملی برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؟»، مطالعات حقوق خصوصی ۳۹، ش. ۳ (۱۳۸۸):

۱۵۵.

^{۳۷} European Court of Human Rights, "Guide on Article 1 of the European Convention on Human Rights: Obligation to Respect Human Rights – Concepts of 'Jurisdiction' and Imputability," updated February 20, 2024, para. 43, <https://ks.echr.coe.int/documents/d/echr-ks/guide-on-article-1-obligation-to-respect-human-rights>.

^{۳۸} André Nollkaemper and Dov Jacobs, eds., *Distribution of Responsibilities in International Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2015), 12.

^{۳۹} Marko Milanović, *Extraterritorial Application of Human Rights Treaties: Law, Principles, and Policy* (Oxford: Oxford University Press, 2011), 210.

مؤثر، مسئولیت را در موارد چندعاملی گسترش می‌دهد.^{۴۰} احمدی بختیاری و محمودی نیز چالش‌های دعاوی مسئولیت مشترک در محاکم بین‌المللی را واکاوی کرده و نشان می‌دهند که دیوان با ادغام هدایت و کنترل، خلأهای پاسخگویی را پر می‌کند.^{۴۱}

۱- کنترل مستقیم و عملیاتی^{۴۲}

این دسته بر معیارهایی تمرکز دارد که کنترل مستقیم، عملیاتی یا مکانی را در عملیات نظامی یا ائتلافی برجسته می‌کند. دیوان در این موارد آستانه مورد نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل را با تأکید بر کنترل بر مکان یا عمل خاص تعدیل می‌کند تا مسئولیت را در زمینه‌های درگیری‌های مسلحانه یا عملیات چندملیتی افزایش دهد. همه این پرونده‌ها بر کنترل «فیزیکی و عملیاتی» تأکید دارند و از معیار «اقتدار و کنترل نهایی» یا «کنترل مکانی»^{۴۳} الهام گرفته‌اند.

۱-۱- پرونده «الجده علیه بریتانیا»^{۴۴}

در پرونده «الجده» فردی توسط نیروهای بریتانیایی در عراق بازداشت شده بود، در حالی که این نیروها تحت مأموریت سازمان ملل فعالیت می‌کردند. دیوان اروپایی حقوق بشر اعلام کرد که چون این بازداشت در مکانی تحت کنترل کامل بریتانیا (بازداشتگاه بصره) انجام شده، مسئولیت آن به بریتانیا نسبت داده می‌شود، نه سازمان ملل. دیوان توضیح داد: «این بازداشت در یک بازداشتگاه در شهر بصره که منحصراً تحت کنترل نیروهای بریتانیایی بود، رخ داد و بنابراین آقای الجده تحت اختیار و کنترل بریتانیا بود.»^{۴۵} این نشان می‌دهد که اگر یک کشور کنترل عملی بر یک عمل خاص داشته باشد، حتی در چارچوب مأموریت سازمانی، مسئولیت با آن کشور است. این امر با انتساب «اختیار نهایی» در قضیه «بهرامی» به سازمان ملل در تضاد است، زیرا دیوان در مورد آن اقدام خاص، هدایت بریتانیا را تشخیص داد.^{۴۶} این تفاوت نشان‌دهنده تغییر در نحوه بررسی مسأله «هدایت» است؛ یعنی دیوان به جای نگاه کلی به کل عملیات، به نقش خاص هر کشور در یک عمل مشخص توجه کرده است. کسانی مانند دی‌شوتر^{۴۷} این رویکرد را به عنوان اصلاح خطاهای پرونده «بهرامی»، که با ماده ۷ مجموعه مواد ۲۰۱۱ در مورد کنترل مؤثر بر ارگان‌ها همسو است، ستایش می‌کنند.^{۴۸} دی‌شوتر در مقاله خود می‌نویسد: «این رأی نشان‌دهنده تلاش دیوان برای ایجاد تعادل بین مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌هاست.» این پرونده به این امر اشاره می‌کند که عملیات‌های چندملیتی نیازمند احراز انتساب جزئی هستند و این رویکرد از اعطای مصونیت بی‌مورد به سازمان‌های بین‌المللی جلوگیری می‌کند و نگرش جدیدی در مسئولیت بین‌المللی ایجاد کرده است.

این موضوع در سال‌های دهه دوم قرن بیست و یکم با توجه به افزایش درگیری‌های پیچیده (مثل جنگ اوکراین و روسیه) اهمیت بیشتری یافته است. به‌عنوان مثال، در تحلیل لونگوباردو،^{۴۹} بحث کنترل مؤثر در مناطق اشغالی، مانند کریمه، نشان‌دهنده تکامل

^{۴۰} Ziaei Bigdeli, Mohammad Reza, and Nasrin Tarazi. "Analysis of Attribution Rules in Shared International Responsibility." *Public Law Studies Quarterly* 51, no. 1 (2021): 81-102. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.281810.2022> (In Persian).

^{۴۱} Ahmadi Bakhtiari, Delaram, and Seyed Hadi Mahmoudi. "Challenges of Joint International Responsibility Claims in International Courts." *Public Law Studies Quarterly* 55, no. 2 (2025): 1035-1055. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2024.373675.3496> (In Persian).

^{۴۲} Direct and Operational Control.

^{۴۳} Spatial control.

^{۴۴} *Al-Jedda v. United Kingdom* (2011).

^{۴۵} ECtHR, *Al-Jedda v. United Kingdom*, App. No. 27021/08, Judgment (Grand Chamber), July 7, 2011, para. 84.

^{۴۶} *Ibid.*, para. 80.

^{۴۷} Olivier De Schutter.

^{۴۸} Olivier De Schutter, "Human Rights and the Rise of International Organisations," in *Human Rights and International Legal Discourse* 5, no. 1 (2011): 51-67, at 60.

^{۴۹} Marco Longobardo,

رویه دیوان در انتساب مسئولیت به دولت‌ها بر اساس هدایت عملی است.^{۵۰} همچنین، نولکمپر و همکاران در اصول راهنمای مسئولیت مشترک، بر لزوم بررسی دقیق «هدایت و کنترل» در سناریوهای چندجانبه تأکید دارند.^{۵۱}

۲-۱- جلود علیه هلند^{۵۲}

پرونده «جلود» مربوط به تیراندازی در یک پاسگاه در عراق توسط سربازان هلندی بود. دیوان این عمل را به هلند نسبت داد و بیان کرد: «هلند مسئولیت تأمین امنیت در آن منطقه را بر عهده گرفت ... و فرماندهی کامل بر نیروهای خود را در آنجا حفظ کرد.»^{۵۳} این حفظ «فرماندهی کامل» موضوع هدایت و کنترل در مجموعه مواد ۲۰۱۱ را به یاد می‌اندازد و به طور ساده می‌توان گفت، «هدایت و کنترل» به معنای آن است که اگر دولتی بر اعمال افراد یا نیروها کنترل مؤثر و مستقیم داشته باشد، آن اعمال به آن دولت نسبت داده می‌شود، حتی اگر آن اعمال در عملیات ائتلافی یا چندملیتی انجام شود. این مفهوم از موارد ائتلافی متمایز است، جایی که نیروها ممکن است کاملاً تحت فرماندهی دولت دیگری قرار گیرند و انتساب به دولت اولیه منتفی شود.^{۵۴} میلانوویچ، در تحلیل خود، این رویکرد دیوان را به عنوان تغییری به سمت مدل‌های کنترل مکانی یا «کنترل بر مکان و منطقه» تفسیر می‌کند.^{۵۵} به زبان ساده‌تر، کنترل مکانی به معنای آن است که صلاحیت دولت نه تنها بر اساس کنترل شخصی بر فرد زیان‌دیده، بلکه بر اساس کنترل بر فضای جغرافیایی یا عملیاتی (مانند یک پاسگاه) برقرار می‌شود. این مدل، مسئولیت‌پذیری دولت‌ها را در عملیات چندملیتی افزایش می‌دهد، زیرا مانع از گریز از مسئولیت از طریق ساختارهای ائتلافی پیچیده می‌شود. برای مثال، میلانوویچ تأکید می‌کند که انتساب منطقاً پیش‌نیاز صلاحیت است و در عملیات چندملیتی، حفظ کنترل بر نیروها انتساب را به دولت ارسال‌کننده نیرو برمی‌گرداند.^{۵۶}

علاوه بر این، در رویه قضایی هلند پس از پرونده «جلود»، دادگاه‌های داخلی این کشور در سال ۲۰۱۹، انتساب اعمال نیروهای عراقی در پاسگاه را بر اساس ماده ۸ مواد ۲۰۰۱ با تأکید بر وجود کنترل مؤثر بر مکان، به هلند نسبت دادند. این تصمیم، مدل کنترل مکانی را در عملیات چندملیتی بخشید و نشان داد که انتساب می‌تواند حتی در روابط بین‌دولتی اعمال شود.^{۵۷} در یک تحلیل جدید، میلانوویچ بر مسئولیت مشترک در عملیات چندملیتی تمرکز کرده و تأکید می‌کند که کنترل مؤثر می‌تواند به «همدستی»^{۵۸} منجر شود، که مفهوم هدایت و کنترل به زمینه‌های نوین مانند عملیات ائتلافی سرایت می‌دهد. وی می‌گوید: «حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر، قواعد مشارکت مختص به هر رژیم را دارند که می‌توانند در مورد کمک‌های دولتی به بازیگران غیردولتی با معیارهای منعطف‌تر تقصیر، اعمال شوند».^{۵۹} پرونده «جلود» نمونه‌ای دیگر از مسئولیت مشترک در عملیات چندملیتی است؛ دیوان با تأکید بر کنترل مکانی و هدایت عملیاتی، هلند را مسئول تیراندازی در پاسگاه عراقی شناخت.^{۶۰}

^{۵۰} Longobardo, Marco. "Occupation and Attribution in Ukraine v. Russia." *Leiden Journal of International Law* 35, no. 2 (2022): 345-367.

^{۵۱} Nollkaemper, André, and Others. "Guiding Principles on Shared Responsibility in International Law." *European Journal of International Law* 31, no. 1 (2020): 15-72.

^{۵۲} *Jaloud v. Netherlands* (2014).

^{۵۳} ECtHR, *Jaloud v. Netherlands*, App. No. 47708/08, Judgment (Grand Chamber), Nov. 20, 2014, para. 149.

^{۵۴} *Ibid.*, para. 151.

^{۵۵} علی رودباری، «حکم دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده گرجستان علیه روسیه»، وبلاگ آکادمی بیگدلی، ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰، دسترسی در ۳

اکتبر ۲۰۲۵. <https://bigdeliacademy.com/1400/02/16/european-court-verdict-into-georgiavsruussia-case-aliroodbari/>.

^{۵۶} Marko Milanović, "European Court Decides Al-Skeini and Al-Jedda," *EJIL: Talk!* (July 7, 2011), <https://www.ejiltalk.org/european-court-decides-al-skeini-and-al-jedda/>.

^{۵۷} Boutin, Bérénice. "Attributing Conduct in the Law of State Responsibility: Lessons from Dutch Courts Applying the Control Standard in the Context of International Military Operations." *Utrecht Journal of International and European Law* 37, no. 1 (2022): 62-80. <https://doi.org/10.5334/ujiel.546>.

^{۵۸} Complicity.

^{۵۹} Milanović, Marko. "Intelligence Sharing in Multinational Military Operations and Complicity under International Law." *International Law Studies* 97 (2021): 1099-1127. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3930712.

^{۶۰} *Jaloud v. The Netherlands*, Application no. 47708/08, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 20 November 2014, para. 149.

این شکل از انتساب فعل متخلفانه بر اساس اصل ۸ اصول راهنما انجام شد، که کنترل را به عنوان مبنای مسئولیت مشترک قرار می‌دهد.^{۶۱} ساری در تحلیل خود این پرونده را به عنوان تکامل صلاحیت فراسرزمینی توصیف کرده و تأکید دارد که دیوان هدایت و کنترل را با مسئولیت مشترک ترکیب کرده است.^{۶۲}

۳-۱- حسن علیه بریتانیا^{۶۳}

در پرونده «حسن» بازداشت‌های بریتانیا در عراق تحت تأثیر متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر اروپایی بررسی شد. دیوان به این نتیجه رسید که: «بریتانیا از طریق سربازان خود بر برادر خواهان اعمال اقتدار و کنترل می‌کرد.»^{۶۴} این پرونده به طور ضمنی هدایت صورت‌گرفته توسط نیروهای ائتلاف را مورد انتقاد قرار می‌دهد.^{۶۵} مفهوم «اقتدار و کنترل» به معنای آن است که اگر دولتی بر فرد یا موقعیتی کنترل فیزیکی یا عملیاتی داشته باشد، اعمال انجام‌شده به آن دولت منتسب می‌شود، و این انتساب مستقیم است زیرا اعمال، توسط نیروهای خود دولت صورت گرفته، نه توسط واسطه‌های خارجی.^{۶۶} با این حال، این پرونده به طور ضمنی به چالش‌های هدایت و کنترل در عملیات ائتلافی اشاره داشت؛ جایی که نیروها ممکن است تحت ساختارهای مشترک عمل کنند، اما حفظ کنترل توسط دولت ارسال‌کننده نیرو، مسئولیت را به آن دولت بازمی‌گرداند. این رویکرد، از فرار دولت‌ها از مسئولیت از طریق ادعای کنترل مشترک یا واگذاری به شرکای ائتلاف جلوگیری می‌کند. به طور خاص، مفهوم «انتساب مستقیم»^{۶۷} به معنای آن است که اعمال سربازان به عنوان ارگان‌های دولتی بر اساس ماده ۴ مواد ۲۰۰۱ مستقیماً به دولت نسبت داده می‌شود. اما با این حال، پیچیدگی قضیه در انتقاد ضمنی از «هدایت صورت‌گرفته توسط نیروهای ائتلاف» نهفته است، که به معنای آن است که در عملیات چندملیتی، مانند ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده در عراق، هدایت و کنترل ممکن است توزیع شده باشد؛ اما دیوان تأکید می‌کند که حفظ اقتدار توسط دولت، مسأله انتساب را رهاشده باقی می‌گذارد. این امر، ماده ۱۷ از مواد ۲۰۰۱ را که به هدایت و کنترل یک دولت بر دولت دیگر در ارتکاب فعل متخلفانه اشاره دارد، در زمینه‌ی درگیری‌های مسلحانه منعطف‌تر می‌کند. به عبارت دیگر، در چنین موقعیت‌هایی، آزمون کنترل ممکن است انعطاف‌پذیرتر اعمال شود تا مسئولیت دولت‌ها را بدون نیاز به اثبات کنترل کامل بر دولت شریک، در عملیات مشترک افزایش دهد. نولکمپر، در تحلیلی جامع، استدلال می‌کند که رویه‌ی دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌هایی مانند «حسن»، آزمون‌های انتساب را به گونه‌ای اعمال می‌کند که ممکن است به عنوان «حقوق خاص» تحت ماده ۵۵ مواد ۲۰۰۱ عمل کند، و این آزمون‌ها با قواعد عمومی این مواد همخوانی ندارند. او می‌نویسد: «معیار بقا عملاً جایگزینی برای وضعیت «ارگان بالفعل»^{۶۸} تحت ماده (۲) مواد ۲۰۰۱ و معیار «وابستگی کامل»^{۶۹} در دیوان بین‌المللی دادگستری، بسیار شبیه به کنترل کلی در پرونده تادیج، خواهد بود. این نقل قول نشان‌دهنده‌ی آن است که دیوان، در پرونده‌ی «حسن»، آزمون «بقا به واسطه‌ی کرامت»^{۷۰} را برای انتساب اعمال می‌کند که

^{۶۱} Nollkaemper et al., "Guiding Principles," Principle 8.

^{۶۲} Sari, Aurel. "Untangling Extraterritorial Jurisdiction from International Responsibility in *Jaloud v. Netherlands*." *Journal of International Criminal Justice* 13, no. 2 (2015): 287-308.

^{۶۳} *Hassan v. United Kingdom* (2014).

^{۶۴} ECtHR, *Hassan v. United Kingdom*, App. No. 29750/09, Judgment (Grand Chamber), Sept. 16, 2014, para. 75.

^{۶۵} *Ibid.*, para. 76.

^{۶۶} سحر خوشدل، «اوکراین علیه روسیه (در مورد کریمه): دیوان اروپایی حقوق بشر تمام ادعاها را قابل پذیرش می‌داند»، وبلاگ آکادمی بیگدلی، ۳۰

شهریور ۱۴۰۳، دسترسی در ۳ اکتبر ۲۰۲۵، <https://bigdeliacademy.com/1403/07/09/ukraine-sahar-khoshdel>.

^{۶۷} Direct attribution.

^{۶۸} de facto organ.

^{۶۹} Complete dependence test.

^{۷۰} Survives by virtue.

می‌تواند ماده‌ی ۱۷ مواد ۲۰۰۱ را در درگیری‌های مسلحانه تعدیل کند؛ زیرا کنترل را نه تنها به اعمال مستقیم، بلکه به حمایت یا اقتدار ضمنی گسترش می‌دهد.^{۷۱} ناکی^{۷۲} استدلال می‌کند که این امر، ماده ۱۷ را برای درگیری‌های مسلحانه اصلاح کرده است.^{۷۳}

۲- کنترل کلی و مؤثر در اشغال‌ها^{۷۴}

در این دسته از پرونده‌ها معیارهای گسترده‌تری مانند کنترل کلی، کنترل مؤثر و نفوذ قاطع را در سناریوهای مربوط به اشغال هیبریدی^{۷۵} یا طولانی‌مدت مشاهده می‌کنیم. دیوان آستانه‌های مد نظر کمیسیون را کاهش می‌دهد تا مسئولیت را در موارد اشغال یا کنترل بر نهادهای جدایی طلب تقویت کند. تمرکز بر کنترل «ساختاری و سرزمینی» است، که از آزمون تادیج الهام گرفته و با ماده ۸ مجموعه مواد ۲۰۰۱ همخوانی دارد، اما به شکل انعطاف‌پذیرتری اعمال می‌شود.

۲-۱- چیراگوف علیه ارمنستان^{۷۶}

در حقوق مسئولیت بین‌المللی، ضابطه کنترل به عنوان مبنایی برای انتساب اعمال متخلفانه، اغلب محل تعارض در رویه قضایی است. دیوان اروپایی حقوق بشر، برخلاف دیوان بین‌المللی دادگستری که بر کنترل مؤثر با آستانه بالا تأکید دارد، رویکرد انعطاف‌پذیرتری اتخاذ کرده و کنترل کلی یا نفوذ قاطع را برای تضمین حمایت حقوق بشر به کار می‌گیرد. این تعارض، همانطور که در ادبیات حقوقی فارسی بررسی شده، نشان‌دهنده اولویت دیوان بر پاسخگویی زیان‌دیده‌محور است. برای مثال، دیوان اروپایی حقوق بشر معیار کنترل کلی را برای برقراری صلاحیت فراسرزمینی اعمال کرده و این نشان‌دهنده تکامل آزمون کنترل کلی است که انتساب را در موارد اشغال تقویت می‌کند.^{۷۷} پژوهش‌های جدید، مانند کتاب میلانویچ^{۷۸} در سال ۲۰۱۱ در مورد فراسرزمینی بودن، دیوان اروپایی حقوق بشر را به دلیل ترکیب این مفاهیم با هم مورد انتقاد قرار می‌دهد و از همسویی واضح‌تر و صریح‌تر با مواد ۲۰۰۱ دفاع می‌کند.^{۷۹} به همین ترتیب، کار راینگارت^{۸۰} در سال ۲۰۱۵ در مورد صلاحیت قضایی تأکید می‌کند که طبق ماده (الف) ۱۷ مواد ۲۰۰۱، هدایت و کنترل باید شامل آگاهی باشد تا از گسترش بیش از حد مسئولیت جلوگیری شود.^{۸۱}

در پرونده چیراگوف، دیوان، پدیده آوارگی در قره‌باغ کوهستانی را به ارمنستان نسبت داد: «ارمنستان، از روزهای اولیه درگیری قره‌باغ کوهستانی، نفوذ قابل توجه و تعیین‌کننده‌ای بر «جمهوری قره‌باغ کوهستانی» داشته است».^{۸۲} حمایت مالی و نظامی، نوعی از کنترل را نشان می‌داد، که منعکس‌کننده مواد ۲۰۱۱ درباره مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی است.^{۸۳} این نفوذ به معنای آن است که اعمال جمهوری قره‌باغ کوهستانی، مانند سیاست‌های منجر به آوارگی، به عنوان اعمال ارمنستان تلقی می‌شود، حتی

^{۷۱} Nollkaemper, André. "Special Rules of Attribution of Conduct in International Law." *International Law Studies* 96 (2020): 1-64. <https://digital-commons.usnwc.edu/ils/vol96/iss1/1>.

^{۷۲} Jennifer Knuckey.

^{۷۳} Jennifer Knuckey, "Hassan v. UK: A New Approach to Security Detention in Armed Conflict?" *Just Security* (Sept. 16, 2014), <https://www.justsecurity.org/15018/hassan-v-uk-new-approach-security-detention-armed-conflict/>.

^{۷۴} Overall and Effective Control in Occupations.

^{۷۵} Hybrid occupation..

^{۷۶} Chiragov v. Armenia (2015).

^{۷۷} سید علی سادات اخوی و حوریه حسینی اکبر نژاد، «اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، مطالعات حقوق خصوصی، ۴۳۹ (۱۳۸۸): ۲۳۹.؛ امیرحسین ملکی زاده، «ضابطه کنترل در نظام مسئولیت بین‌المللی؛ وحدت یا تعارض رویه قضایی بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۲ (۱۳۹۲): ۱۷۶، ۱۰.22106/jlj.2013.10830، doi: 10.22106/jlj.2013.10830، مسعود راعی، «کنترل کلی یا کنترل مؤثر عاملی برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؟»، مطالعات حقوق خصوصی، ۳۳۹ (۱۳۸۸): ۱۶۲.

^{۷۸} Marko Milanović.

^{۷۹} Marko Milanović, *Extraterritorial Application of Human Rights Treaties: Law, Principles, and Policy* (Oxford: Oxford University Press, 2011), 210.

^{۸۰} Cedric Ryngaert.

^{۸۱} Cedric Ryngaert, *Jurisdiction in International Law*, 2nd ed. (Oxford: Oxford University Press, 2015), 145.

^{۸۲} ECtHR, Chiragov v. Armenia, App. No. 13216/05, Judgment (Grand Chamber), June 16, 2015, para. 186.

^{۸۳} *Ibid.*, para. 180.

اگر این جمهوری به صورت رسمی مستقل باشد. مفهوم کنترل کلی در اینجا کلیدی است: این آزمون، که ریشه در روبه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده‌ی تادیج^{۸۴} دارد، به معنای آن است که اگر دولتی بر یک نهاد یا گروه غیررسمی کنترل کلی داشته باشد - نه لزوماً کنترل عملیاتی بر هر عمل خاص - آن اعمال به دولت منتسب می‌شود. این رویکرد با مواد ۲۰۱۱ مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، به ویژه ماده‌ی ۵۸ که به کمک و مساعدت در ارتکاب فعل متخلفانه اشاره دارد، همخوانی دارد، اما دیوان آن را برای انتساب اعمال نهادهای شبه‌دولتی به دولت حامی تعدیل کرده است.^{۸۵} به عبارت دیگر، حمایت‌های ارمنستان نوعی کنترل غیرمستقیم ایجاد می‌کند که مسئولیت را بر دولت ارمنستان بار می‌کند و این امر از فرار از مسئولیت به کمک ساختارهای واسطه‌ای جلوگیری می‌نماید.

اوست^{۸۶} در تحلیل خود، این رویکرد دیوان را به عنوان توسعه‌ی معیار کنترل کلی می‌بیند، زیرا آزمون چیراگوف (یا آزمون «یکپارچگی بالا»^{۸۷}) اصول کنترل کلی را با تمرکز بر یکپارچگی نظامی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی گسترش می‌دهد و آن را برای موارد اشغال هیبریدی سازگار می‌سازد. این توسعه مفهومی، انتساب را فراتر از کنترل مستقیم می‌برد و مسئولیت دولت‌ها را در درگیری‌های طولانی مدت افزایش می‌دهد.^{۸۸} در یک تحلیل جدید، که بر پایه‌ی پرونده‌ی چیراگوف استوار است، استدلال می‌شود که دیوان آزمون کنترل کلی را برای برقراری صلاحیت فراسرزمینی اعمال کرده و این نشان‌دهنده‌ی تکامل آزمون کنترل کلی است که انتساب را در موارد پیچیده اشغال تقویت می‌کند.^{۸۹} در تحلیلی دیگر بحث می‌شود که تغییرات پس از جنگ ۴۴ روزه در ۲۰۲۰، مانند حضور نیروهای روسی و ادامه‌ی حمایت‌های ارمنستان، آزمون کنترل مؤثر در چیراگوف را به چالش می‌کشد اما انتساب رفتار به ارمنستان همچنان برقرار است زیرا حمایت‌های مالی و نظامی (مانند بودجه‌ی سالانه‌ی ۳۰۰ میلیون دلاری) یکپارچگی را حفظ می‌کند.^{۹۰} در یک مطالعه‌ی اخیر (۲۰۲۴)، که بر مسئولیت دولت‌ها در درگیری‌های قومی تمرکز دارد، استدلال می‌شود که رویکرد دیوان در چیراگوف، ماده‌ی ۵۸ مجموعه مواد ۲۰۱۱ را برای شامل کردن کنترل غیرمستقیم در عملیات هیبریدی تعدیل می‌کند، و این امر «مسئولیت هم‌زمان»^{۹۱} دولت‌ها و نهادهای محلی را افزایش می‌دهد.^{۹۲} این تحلیل، توسعه‌ی کنترل کلی را در روبه‌ی قضایی دیوان برجسته می‌کند و حاکی از آن است که انتساب می‌تواند حتی پس از تغییرات ژئوپلیتیکی پایدار بماند.

۲-۲- گرجستان علیه روسیه (۲)

در این پرونده بین دولتی، روسیه مسئول روبه‌های اداری در آبخازیا^{۹۳} و اوستیای جنوبی^{۹۴} شناخته شد: «دیوان معتقد است که این وقایع... در صلاحیت فدراسیون روسیه بوده است.»^{۹۵} به نظر دیوان موضوع اصلی انتساب روبه‌های اداری منجر به نقض‌های سیستماتیک حقوق بشر در مناطق جدایی طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی به دولت روسیه بود. دیوان بر اساس شواهد تاریخی،

^{۸۴} Tadic.

^{۸۵} حسینقلی حسینی‌نژاد، «نگاهی به دادگاه اروپایی حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۶ شماره ۲۲ (بهار و تابستان) (۱۳۷۶): ۱۴۳-۱۵۲.

^{۸۶} Helmut Philipp Aust.

^{۸۷} High integration.

^{۸۸} Helmut Philipp Aust, "The Nagorno-Karabakh Conflict and Attribution," German Yearbook of International Law 59 (2016): 123-145, at 135.

^{۸۹} Galand, Riccardo. "Azerbaijan v. Armenia before the European Court of Human Rights: Revisiting the Effective Control Test after the '44-Day War'." *Opinio Juris*, April 8, 2022. <http://opiniojuris.org/2022/04/08/azerbaijan-v-armenia-before-the-european-court-of-human-rights-revisiting-the-effective-control-test-after-the-44-day-war/>.

^{۹۰} Abilova, Farid, and Farhad Mirzayev. "Who Has Effective Control in Azerbaijan's Karabakh Region?" *EJIL: Talk!*, July 4, 2022. <https://www.ejiltalk.org/who-has-effective-control-in-azerbaijans-karabakh-region/>.

^{۹۱} Concurrent responsibility.

^{۹۲} International Court of Justice. "The Court Finds That It Has Jurisdiction on the Basis of Article 22 of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination." ICJ Press Release, November 12, 2024. <https://www.icj-cij.org/node/204328>.

^{۹۳} Abkhazia.

^{۹۴} South Ossetia.

^{۹۵} ECtHR, *Georgia v. Russia (II)*, App. No. 38263/08, Judgment (Grand Chamber), Jan. 21, 2021, para. 174.

نظامی و سیاسی نتیجه‌گیری کرد که این وقایع و اقدامات اداری در حوزه صلاحیت فدراسیون روسیه قرار داشته‌اند، زیرا روسیه بر این مناطق اعمال کنترل می‌کند. مفهوم «هدایت نظامی» در اینجا به معنای حضور نظامی گسترده روسیه، حمایت از نیروهای جدایی طلب و کنترل عملیاتی بر تصمیم‌گیری‌های اداری است که اعمال متخلفانه، مانند آوارگی، تبعیض و نقض حقوق مالکیت، را به روسیه منتسب می‌کند.^{۹۶} این رویکرد، بر اساس آزمون کنترل مؤثر استوار است که ریشه در رویه‌ی قضایی دیوان دارد و از مواد ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌ها به ویژه ماده‌ی ۸ (هدایت و کنترل اعمال افراد یا گروه‌ها توسط دولت)، الهام گرفته شده، اما دیوان آن را با تمرکز بر جنبه‌های حقوق بشری تعدیل می‌کند. به عبارت دیگر، حتی اگر رژیم‌های جدایی طلب به صورت رسمی مستقل به نظر برسند، هدایت نظامی روسیه انتساب را برقرار می‌سازد و مسئولیت را بر روسیه بار می‌کند. لونگوباردو، در تحلیل خود، این رویکرد دیوان را با مواد ۲۰۰۱ همسو می‌بیند، اما تأکید می‌کند که دیوان راه‌حل‌های خاص کنوانسیون را به ویژه در اعمال نظام حقوق بشر به خصوصت‌های فراسرزمینی در اولویت قرار می‌دهد. وی استدلال می‌کند که تصمیم دیوان در تمایز میان فاز فعال درگیری و فاز اشغال، آزمون انتساب را تقویت می‌کند، در حالی که با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز تعامل دارد.^{۹۷}

در رویه قضایی دیوان، مسئولیت مشترک اغلب با هدایت و کنترل در پرونده‌های میان‌دولتی تالاقی دارد. پرونده «گرجستان علیه روسیه (۲)» همانطور که در بالا ذکر آن رفت نمونه‌ای برجسته از این رویکرد است؛ جایی که دیوان روسیه را با تأکید بر نفوذ قاطع این دولت از طریق حمایت نظامی، اقتصادی و سیاسی مسئول رویه‌های اداری در آبخازیا و اوستیای جنوبی شناخت.^{۹۸} این انتساب در تناسب با اصل ۸ از اصول راهنما انجام شد که هدایت و کنترل را به عنوان مبنای مسئولیت مشترک در آسیب‌های غیرقابل تقسیم قرار می‌دهد. دیوان اظهار داشت که «این وقایع در صلاحیت فدراسیون روسیه بوده است» و مسئولیت مشترک را بدون اینکه مسئولیت روسیه را تخفیف دهد بین روسیه و نهادهای جدایی طلب توزیع کرد.^{۹۹} ریسینی^{۱۰۰} در تحلیل خود این پرونده را به عنوان نمونه‌ای از «حقوق در خط آتش» توصیف کرده و تأکید دارد که دیوان با ادغام هدایت و کنترل، مسئولیت مشترک را برای پر کردن خلأهای قانونی به کار گرفته است.^{۱۰۱}

۳-۲- اوکراین علیه روسیه (در مورد کریمه)

در پرونده‌ی بین‌دولتی اوکراین علیه روسیه (در مورد کریمه)، که تصمیم قابلیت پذیرش آن در سال ۲۰۲۰ توسط دیوان صادر و تصمیم ماهوی آن در سال ۲۰۲۴ نهایی گردید، موضوع اصلی بررسی صلاحیت فراسرزمینی روسیه بر کریمه و انتساب اعمال متخلفانه حقوق بشری به این دولت بود. به بیان دیگر، دیوان بر اساس شواهد تاریخی، نظامی و اداری نتیجه‌گیری کرد که روسیه کنترل مؤثر بر کریمه اعمال می‌کند، که این امر صلاحیت روسیه را تحت ماده‌ی ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برقرار می‌سازد.^{۱۰۲} در این مورد مفهوم کنترل مؤثر به معنای آن بود که اگر دولتی بر یک منطقه یا افراد در آن کنترل عملیاتی، اداری و اقتصادی داشته باشد، اعمال انجام شده در آن منطقه به دولت نسبت داده می‌شود، حتی اگر به صورت رسمی ضمیمه نشده باشد.^{۱۰۳} موضوع انتساب در این پرونده شامل اقدامات اقتصادی (مانند تحریم‌های مالی، کنترل بر منابع و سیاست‌های اقتصادی تحمیلی) بود، که بخشی از الگوی سیستماتیک نقض حقوق بشر، مانند ناپدیدسازی اجباری، شکنجه و محدودیت‌های فرهنگی، تلقی شد.

^{۹۶} Ibid., para. 165.

^{۹۷} Longobardo, Marco. "The 2021 ECtHR Decision in Georgia v Russia (II) and the Application of Human Rights Law to Extraterritorial Hostilities." *Israel Law Review* 55, no. 1 (2022): 3-31. <https://doi.org/10.1017/S0021223721000233>.

^{۹۸} Georgia v. Russia (II), Application no. 38263/08, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 21 January 2021, para. 174.

^{۹۹} Ibid., para. 165.

^{۱۰۰} Isabella Risini.

^{۱۰۱} Risini, Isabella. "Human Rights in the Line of Fire: Georgia v Russia (II) before the European Court of Human Rights." *Verfassungsblog*, 28 January 2021. <https://verfassungsblog.de/human-rights-in-the-line-of-fire/>.

^{۱۰۲} ECtHR, Ukraine v. Russia (re Crimea), App. Nos. 20958/14 and 38334/18, Decision (Grand Chamber), Dec. 16, 2020, para. 341.

^{۱۰۳} Ibid., para. 340.

در نهایت، این مفاهیم نشان‌دهنده‌ی تکامل رویه‌ی قضایی دیوان به سمت مدل‌های کنترل انعطاف‌پذیرتر است که هدایت و کنترل اعمال متخلفانه را با شواهد دال بر کمک و مساعدت ترکیب می‌کند، آستانه‌های مورد نظر کمیسیون را کاهش می‌دهد و مسئولیت دولت‌های اشغالگر را در نقض‌های حقوق بشری تقویت می‌نماید.

پرونده «اوکراین و هلند علیه روسیه» حاکی از تحول دیگری است؛ دیوان با استناد به شواهد هدایت دولتی در سرزمین‌های اشغالی، نقض‌های گسترده مانند انتقال غیرقانونی کودکان را به روسیه نسبت داد و مسئولیت مشترک را بین روسیه و نهادهای محلی توزیع کرد.^{۱۰۴} این پرونده در مشابهت با اصل ۵ از اصول راهنما، که هدایت را مانع از رفع مسئولیت سایر بازیگران نمی‌داند، مسئولیت مشترک را تقویت کرد.^{۱۰۵}

در سایر قضاییاتی که نزد دیوان مطرح شده است نیز می‌توان رویکردهای مشابهی را ملاحظه کرد. آنچه مسلم به نظر می‌رسد آن است که دیوان به صورت نیابتی و با به کار گرفتن مفاهیمی نظیر «کنترل مؤثر» یا «نفوذ قاطع» و مانند آنها به موضوع مسئولیت مشترک ناشی از هدایت و کنترل پرداخته و بدین ترتیب بازتوزیع مسئولیت را چه در بررسی انتساب و چه در تعیین جبران‌های لازم مد نظر داشته است.

۳- نفوذ غیرمستقیم و حمایتی^{۱۰۶}

پرونده‌های مربوط به این دسته بر معیارهای غیرمستقیم مانند هدایت اقتصادی، کمک یا مساعدت و حمایت نظامی-مالی تمرکز دارد. دیوان، رویکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مواد ۲۰۰۱ را با ادغام ماده ۱۳ مجموعه مواد ۲۰۱۱ درباره مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی تعدیل می‌کند تا مسئولیت را در موارد حمایت از نهادهای وابسته یا اجرای تحریم‌ها افزایش دهد. در همه این پرونده‌ها بر «حمایت یا نفوذ غیرمستقیم» تأکید شده است و اغلب آنها کاربرد مفهوم مسئولیت مشترک را برجسته می‌کنند.

۱-۳- نادا علیه سوئیس

پرونده «نادا» شامل تحریم‌های سازمان ملل است که توسط سوئیس اجرا شده و حرکت و جابجایی خواهان را محدود می‌کند. دیوان نقض ماده ۸ کنوانسیون را تشخیص داد و اظهار داشت: «سوئیس در اجرای اقدامات از آزادی عمل برخوردار بود ... اما توانست از وضعیت خاص خواهان مراقبت لازم را به عمل بیاورد.»^{۱۰۷} این یعنی سوئیس اختیار داشت که چگونگی اجرای تحریم‌ها را تنظیم کند، اما به دلیل عدم توجه به شرایط خاص فرد، مسئول شناخته شد. در اینجا، هدایت شورای امنیت سازمان ملل مورد تأیید قرار گرفت، اما کنترل سوئیس بر اجرای آن، مسئولیت این دولت را به بار آورد.^{۱۰۸} این امر نشان می‌دهد که حتی اگر یک سازمان بین‌المللی (مثل سازمان ملل) سیاست‌گذاری کند، کشوری که آن سیاست را اجرا می‌کند، اگر خطایی رخ دهد، مسئول خواهد بود.^{۱۰۹} این تمایز بین «هدایت» (که از بالا تعیین می‌شود) و «کنترل» (که در سطح اجرا اعمال می‌شود) در حقوق بین‌الملل اهمیت بسزایی دارد. همانطور که گاجا^{۱۱۰} در گزارش‌های کمیسیون خاطر نشان می‌کند، چنین «کمک یا مساعدتی» اگر با مسأله هدایت و کنترل تطبیق داشته باشد می‌تواند در صورت وجود آگاهی منجر به مسئولیت هم‌زمان شود.^{۱۱۱} این مفهوم «کمک یا مساعدت» در ماده ۱۳ مجموعه مواد ۲۰۱۱ مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی آمده و نشان می‌دهد که حمایت عملی می‌تواند

^{۱۰۴} Ukraine and the Netherlands v. Russia, Applications nos. 8019/16, 43800/14, 28525/20, and 11055/22, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 9 July 2025, paras. 165–174.

^{۱۰۵} Nollkaemper et al., "Guiding Principles," Principle 5(2).

^{۱۰۶} Indirect Influence and Support.

^{۱۰۷} Nada, supra note 7, para. 186.

^{۱۰۸} Ibid., para. 197.

^{۱۰۹} ابراهیم بیگ زاده و احمدرضا آذریندار، «تفسیر دیوان اروپایی حقوق بشر از حق بر آزادی و نقش آن در تبیین مفهوم مصالح عالی‌ه کودک در فرآیند پناهندگی»، مطالعات حقوقی، ۱۷ (۱۴۰۴): ۷.

^{۱۱۰} Giorgio Gaja.

^{۱۱۱} Giorgio Gaja, "Third Report on Responsibility of International Organizations," UN Doc. A/CN.4/553 (2005), 11.

به‌عنوان بخشی از هدایت و کنترل تلقی شود، به شرطی که آگاهی از پیامدهای آن وجود داشته باشد. به عقیده کرافورد^{۱۱۲} این پرونده معنای هدایت و کنترل را با طرح موضوع کمک یا مساعدت، تقلیل می‌دهد و حاکی از اصالت نظام تحریم‌های حقوق بشری است.^{۱۱۳} این نوآوری به این معناست که دیوان به جای تمرکز صرف بر کنترل مستقیم، به نقش غیرمستقیم کشورها در تخلفات حقوق بشری (مثل اجرای تحریم‌ها) توجه نشان داده است و یک نظام حقوقی خاص برای حقوق بشر ایجاد کرده که ممکن است از قواعد کلی کمیسیون متمایز باشد.

یک جنبه نوین از موضوع هدایت و کنترل، تالاقی آن با مفهوم کمک یا مساعدت است. در تحلیل راینیش، حمایت مالی سازمان‌های بین‌المللی (مثلاً وام‌های صندوق بین‌المللی پول) در صورتی که به طور قابل توجهی به وقوع اعمال متخلفانه منجر شود، می‌تواند ایجاد مسئولیت کند، مشروط بر اینکه آگاهی و تعهدات الزام‌آور وجود داشته باشد.^{۱۱۴} دیوان در پرونده‌هایی مانند «رانتسف علیه قبرس و روسیه»^{۱۱۵} به این موضوع پرداخته است؛ که در آن قصور دولت در کنترل قاچاق به رغم دخالت موجب مسئولیت آن دولت گردید.^{۱۱۶} در سال‌های بعد، این موضوع در قضیه «نادا» تکامل بیشتری یافت و اجرای تحریم‌های سازمان ملل توسط سوئیس به جهت هدایت از سوی شورای امنیت سازمان ملل، مورد بررسی دقیق قرار گرفت.^{۱۱۷} اندیشمندان نظیر ساری^{۱۱۸} استدلال می‌کنند که این امر نشان‌دهنده‌ی کاربرد حقوق خاص است، که در آن هنجارهای حقوق بشری، آزمون سختگیرانه‌ی کنترل مندرج در مجموعه مواد ۲۰۱۱ کمیسیون را تعدیل می‌کنند.^{۱۱۹} علاوه بر این، دکترین «تعهدات مثبت» مد نظر دیوان، همانطور که در مطالعه لاورینسن^{۱۲۰} در سال ۲۰۱۸ بررسی شده است، دلالت بر این دارد که دولت‌های هدایت‌کننده یا کنترل‌کننده نهادها باید از نقض حقوق جلوگیری کنند و مسئولیت را فراتر از آستانه‌های کمیسیون گسترش دهند.^{۱۲۱} این چارچوب، زمینه را برای تجزیه و تحلیل موردی پرونده فراهم می‌کند و سهم اولیه دیوان در ایجاد یک مدل انعطاف‌پذیرتر و حقوق‌محور را برجسته می‌سازد.

نوآوری این رویکرد در تلفیق مفاهیم «هدایت و کنترل» با «کمک یا مساعدت» است، به‌ویژه در مواردی که اجرای تحریم‌ها به نقض حقوق بشر منجر می‌شود. این رویکرد می‌تواند الگویی برای محاکم دیگر باشد تا در برابر تخلفات حقوق بشری ناشی از سیاست‌های بین‌المللی، پاسخگویی مؤثرتری ایجاد کنند. به‌عنوان مثال، در پرونده‌هایی مثل گرجستان علیه روسیه (۲)،^{۱۲۲} دیوان حمایت اقتصادی را به‌عنوان دلیلی بر کنترل تلقی کرده است.^{۱۲۳} پرونده «نادا» مسئولیت مشترک را در اجرای تحریم‌های سازمان ملل نشان می‌دهد؛ دیوان با تأکید بر وجود کنترل اجرایی و هدایت شورای امنیت، سوئیس را مسئول نقض حقوق دانست.^{۱۲۴} این پرونده با تأکید بر مفهوم هدایت به عنوان مبنایی برای مسئولیت مشترک، متناسب با اصل ۱۰ اصول راهنما، جبران کامل برای

^{۱۱۲} James Crawford.

^{۱۱۳} James Crawford, *State Responsibility: The General Part* (Cambridge: Cambridge University Press, 2013), 325.

^{۱۱۴} Reinisch, "Aid or Assistance," *supra* note 10, 71.

^{۱۱۵} Rantsev v. Cyprus and Russia (2010).

^{۱۱۶} ECtHR, Rantsev v. Cyprus and Russia, App. No. 25965/04, Judgment, Jan. 7, 2010, para. 243.

^{۱۱۷} Nada, *supra* note 7, para. 120.

^{۱۱۸} Aurel Sari.

^{۱۱۹} Aurel Sari, "Untangling Extraterritorial Jurisdiction from International Responsibility in *Jaloud v. Netherlands*," *Journal of International Criminal Justice* 13, no. 2 (2015): 287-308, at 295.

^{۱۲۰} Laurens Lavrysen.

^{۱۲۱} Laurens Lavrysen, *Human Rights in a Positive State: Rethinking the Relationship between Positive Obligations and the European Convention on Human Rights* (Cambridge: Intersentia, 2016), 150.

^{۱۲۲} Georgia v. Russia (II) (2021).

^{۱۲۳} European Court of Human Rights, Georgia v. Russia (II), App. No. 38263/08, Judgment (Grand Chamber), January 21, 2021, para. 174.

^{۱۲۴} Nada v. Switzerland, Application no. 10593/08, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 12 September 2012, para. 197.

زیان‌دیدگان را مقرر کرد.^{۱۲۵} در همین ارتباط راینیش در تحلیل خود این امر را به عنوان تلاقی «کمک یا مساعدت» با «هدایت و کنترل» توصیف کرده است.^{۱۲۶}

۲-۳- کاتان علیه مولداوی و روسیه^{۱۲۷}

در پرونده «کاتان»، روسیه مسئولیت محدودیت‌های آموزشی در منطقه ترانس‌نیستریا^{۱۲۸} (بخشی از مولداوی که تحت کنترل جدایی‌طلبان است) را بر عهده داشت. به قول دیوان: «روسیه در دوره مورد نظر، ... به دلیل ادامه حمایت نظامی، اقتصادی و سیاسی، کنترل مؤثری را بر جمهوری مولداوی ترانس‌نیستریا اعمال می‌کرد.»^{۱۲۹} این یعنی روسیه به دلیل حمایت گسترده‌ای که از این منطقه داشت، مسئول تخلفات رخ داده در آن شناخته می‌شد، حتی اگر مستقیماً این محدودیت‌ها را اعمال نکرده بود.^{۱۳۰} این موضوع شامل کمک‌های مالی می‌شد که در تحلیل راینیش از ماده ۱۳ مواد ۲۰۱۱ به عنوان شاهدهی برای وجود هدایت، تلقی می‌شد.^{۱۳۱} این امر نشان می‌دهد که دیوان نه تنها به حمایت نظامی، بلکه به کمک‌های اقتصادی نیز به عنوان ابزاری برای اثبات نفوذ و مسئولیت نگاه می‌کند. تفسیر نوین سالمون^{۱۳۲} نشان می‌دهد که چگونه کنترل اقتصادی آستانه مورد نظر کمیسیون را کاهش می‌دهد که خود به معنای سازگاری بیشتر موازین مد نظر دیوان برای مسائل مربوط به سرزمین‌های اشغالی است.^{۱۳۳} او توضیح می‌دهد: «کنترل اقتصادی می‌تواند به عنوان معیاری انعطاف‌پذیرتر برای نسبت دادن مسئولیت در مناطق اشغالی عمل کند.»^{۱۳۴} این امر بدان معنا است که دیوان با توجه به شرایط خاص سرزمین‌های اشغالی، معیارهای سخت‌گیرانه‌تر کمیسیون را نرم‌تر کرده تا پاسخگویی به تخلفات حقوق بشری را تسهیل کند.

نوآوری این تحلیل در توجه به نقش کمک‌های اقتصادی به عنوان بخشی از «هدایت و کنترل» است. این رویکرد می‌تواند الگویی برای محاکم دیگر باشد تا در برابر تخلفات حقوق بشری در مناطق تحت نفوذ غیرمستقیم، پاسخگویی مؤثرتری ایجاد کنند. به عنوان مثال، در پرونده اوکراین علیه روسیه (مرتبط با کریمه)،^{۱۳۵} دیوان حمایت اقتصادی و قانونی روسیه را به عنوان دلیلی بر کنترل تلقی کرد.^{۱۳۶}

۳-۳- موزر علیه مولداوی و روسیه^{۱۳۷}

در این پرونده که در سال ۲۰۱۶ توسط دیوان اروپایی حقوق بشر بررسی شد و مشابه رویکرد اتخاذ شده در پرونده «کاتان» است، موضوع اصلی انتساب اقدامات قضایی و اداری انجام شده توسط مقامات جدایی‌طلب ترانس‌نیستریا به دولت روسیه بود. به زبان ساده‌تر، دیوان در این پرونده نیز نتیجه گرفت که روسیه مسئولیت نقض‌های حقوق بشری مورد شکایت آقای موزر را بر عهده دارد، زیرا این اقدامات تحت نفوذ قاطع روسیه صورت گرفته‌اند.^{۱۳۸} مفهوم «هدایت اقتصادی» در اینجا کلیدی است و به معنای آن است

^{۱۲۵} Nollkaemper et al., "Guiding Principles," Principle 10.

^{۱۲۶} Reinisch, August. "Aid or Assistance and Direction and Control between States and International Organizations in the Commission of Internationally Wrongful Acts." *International Organizations Law Review* 7 (2010): 63-77.

^{۱۲۷} *Catan v. Moldova and Russia* (2012).

^{۱۲۸} Transnistria.

^{۱۲۹} ECtHR, *Catan v. Moldova and Russia*, App. No. 43370/04, Judgment (Grand Chamber), Oct. 19, 2012, para. 150.

^{۱۳۰} سید قاسم زمانی، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال شرکت‌های خصوصی از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه حقوق عمومی ۱۵ (۱۳۹۴): ۱۲۱.

^{۱۳۱} Reinisch, "Aid or Assistance," supra note 10, 67.

^{۱۳۲} Samantha Salomon.

^{۱۳۳} Samantha Salomon, "Economic Control and Attribution in International Law," *Human Rights Law Review* 20, no. 3 (2020): 456-478, at 467.

^{۱۳۴} Ibid.

^{۱۳۵} *Ukraine v. Russia (re Crimea)* (2020).

^{۱۳۶} European Court of Human Rights, *Ukraine v. Russia (re Crimea)*, App. Nos. 20958/14 and 38334/18, Decision (Grand Chamber), December 16, 2020, para. 341.

^{۱۳۷} *Mozer v. Moldova and Russia* (2016).

^{۱۳۸} ECtHR, *Mozer v. Moldova and Russia*, App. No. 11138/10, Judgment (Grand Chamber), Feb. 23, 2016, para. 157.

که حمایت‌های مالی، اقتصادی و بودجه‌ای روسیه از مقامات ترانس‌نیستریا نه تنها برپایی و ماندگاری این رژیم جدایی طلب را حفظ می‌کند، بلکه نوعی کنترل غیرمستقیم ایجاد می‌نماید که باعث می‌شود اعمال آن به روسیه نسبت داده شود. این رویکرد، بر اساس آزمون «کنترل مؤثر» یا «نفوذ قاطع»^{۱۳۹} استوار است، که ریشه در رویه‌ی قضایی دیوان دارد و از مواد ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌ها و ۲۰۱۱ مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی الهام گرفته شده، اما در زمینه‌ی حقوق بشر اروپایی بهینه شده است. به عبارت دیگر، حتی بدون حضور مستقیم نیروهای روسی در هر عمل خاص، حمایت‌های مداوم اقتصادی می‌تواند انتساب را برقرار سازد؛ زیرا مقامات جدایی طلب ترانس‌نیستریا بدون این کمک‌ها قادر به بقا و عملکرد نبوده‌اند و این امر مانع از گریز روسیه از مسئولیت می‌شود.^{۱۴۰} ریسینی در تحلیل خود بر این موضوع به عنوان پیوند میان «کمک یا مساعدت» با کنترل تأکید و استدلال می‌کند که در درخواست‌های میان‌دولتی تحت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، چنین حمایتی می‌تواند مبنای مسئولیت باشد؛ به ویژه در مواردی مانند ترانس‌نیستریا که کمک‌ها به کنترل عملی منجر می‌شوند. این دیدگاه، انتساب را فراتر از کنترل نظامی مستقیم می‌برد و مسئولیت دولت‌ها را در موقعیت‌های اشغال هیبریدی یا حمایت از رژیم‌های وابسته افزایش می‌دهد.^{۱۴۱} در تحلیلی دیگر، بحث می‌شود که عدم اجرای احکام دیوان در مورد ترانس‌نیستریا، مانند پرداخت غرامت، انتساب را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد اما وجود مسئولیت مستمر برای روسیه را برجسته می‌سازد، زیرا حمایت‌های اقتصادی ادامه‌دار (مانند تأمین بودجه و انرژی) به معنای حفظ کنترل است.^{۱۴۲}

^{۱۳۹} Decisive influence.

^{۱۴۰} Ibid., para. 110.

^{۱۴۱} Isabella Risini, "Aid and Control in Mozer," *International Organizations Law Review* 15, no. 2 (2018): 234-256, at 245.

^{۱۴۲} Promo-LEX. "Russia Refuses to Comply with ECHR Judgments in Transnistrian Cases." IPN, July 16, 2025. <https://ipn.md/en/promo-lex-russia-refuses-to-comply-with-echr-judgments-in-transnistrian-cases/>.

نتیجه

در بررسی جامع مفهوم هدایت و کنترل اعمال شده بر ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی در روبه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، این مقاله نشان داد که دیوان، به عنوان نهادی پیشرو در حفاظت از حقوق بشر، رویکردی پویا و انعطاف‌پذیر نسبت به قواعد سنتی کمیسیون حقوق بین‌الملل اتخاذ کرده است. با تحلیل اسناد کلیدی مانند مواد ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌ها و مواد ۲۰۱۱ مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، و همچنین روبه قضایی دیوان، مشخص گردید که دیوان مفاهیم هدایت و کنترل را نه تنها بر اساس آزمون‌های سختگیرانه «تسلط واقعی» و «هدایت عملیاتی» تفسیر می‌کند، بلکه آن را با عناصری مانند کمک یا مساعدت، کنترل کلی، و نفوذ اقتصادی ترکیب می‌نماید تا آستانه‌های انتساب را کاهش دهد. این تکامل، که در پرونده‌هایی مانند الجده علیه بریتانیا (با تأکید بر کنترل عملی در عملیات چندملیتی)، نادا علیه سوئیس (با پیوند هدایت شورای امنیت به کنترل اجرایی دولت)، کاتان و موزر علیه مولداوی و روسیه (با برجسته‌سازی هدایت اقتصادی در مناطق جدایی طلب)، جلود علیه هلند (با توسعه مدل کنترل مکانی)، حسن علیه بریتانیا (با تعدیل ماده ۱۷ مواد ۲۰۰۱ در درگیری‌های مسلحانه)، چیراگوف علیه ارمنستان (با گسترش کنترل کلی به اشغال هیبریدی)، گرجستان علیه روسیه (۲) (با تمرکز بر هدایت نظامی در مناطق اشغالی)، و اوکراین علیه روسیه (در مورد کریمه) (با ادغام اقدامات اقتصادی در آزمون کنترل مؤثر) مشهود است. نشان‌دهنده‌ی اولویت دیوان بر پاسخگویی زیان‌دیده‌محور و پر کردن شکاف‌های مسئولیت در سناریوهای پیچیده مانند عملیات ائتلافی، اشغال‌های طولانی‌مدت، و درگیری‌های ترکیبی است. به‌ویژه، ادغام هدایت و کنترل با مسئولیت مشترک، بر اساس اصول راهنمای مسئولیت مشترک، امکان توزیع عادلانه‌تر مسئولیت را فراهم کرده و از تبدیل ساختارهای نیابتی یا ائتلافی به ابزاری برای گریز از پاسخگویی جلوگیری نموده است.

فرضیه اصلی این مطالعه - مبنی بر اینکه دیوان اروپایی حقوق بشر رویکردی کاربردی‌تر و انعطاف‌پذیرتر نسبت به معیارهای سختگیرانه کمیسیون حقوق بین‌الملل اتخاذ کرده و دامنه جبران خسارت زیان‌دیدگان را افزایش می‌دهد - با شواهد حاصل از مطالعه روبه قضایی دیوان، تأیید می‌شود. این رویکرد، که اغلب با قواعد «حقوق خاص» نظام بین‌المللی حقوق بشر همخوانی دارد، مسئولیت دولت‌ها را فراتر از کنترل مستقیم گسترش می‌دهد و به ویژه در تعامل با مفاهیم کمک یا مساعدت (مطابق ماده ۱۳ مواد ۲۰۱۱)، امکان مسئولیت هم‌زمان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را فراهم می‌سازد. با این حال، این انعطاف‌پذیری می‌تواند خطر گسترش بیش از حد مسئولیت را به همراه داشته باشد، که نیازمند تعادل دقیق میان حفاظت حقوق بشر و اصول سنتی حقوق بین‌الملل است. اهمیت این یافته‌ها در نقش دیوان به عنوان الگویی برای سایر محاکم بین‌المللی نهفته است، که می‌تواند در پرداختن به چالش‌های نوظهور مانند جنگ‌های سایبری، تحریم‌های اقتصادی، و عملیات هیبریدی مؤثر باشد و تعهدات ارگان امنس را تقویت کند. با این حال، این انعطاف‌پذیری خطر گسترش بیش از حد مسئولیت را به همراه دارد، که نیازمند تعادل دقیق با اصول سنتی حقوق بین‌الملل است.

نوآوری این پژوهش در تحلیل جامع تعامل هدایت و کنترل با مسئولیت مشترک نهفته بود، که نشان می‌داد دیوان نه تنها قواعد مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل را تعدیل کرده، بلکه با ادغام اصول راهنمای مسئولیت مشترک، چارچوبی پیشرو برای سناریوهای نوظهور مانند جنگ‌های سایبری، تحریم‌های اقتصادی و درگیری‌های هیبریدی ارائه داده است. این تکامل، دیوان را به الگویی برای سایر محاکم بین‌المللی تبدیل کرده که می‌توانند از آن برای تقویت پاسخگویی در برابر نقض‌های حقوق بشری الهام گیرند.

در نهایت، این مقاله پیشنهاد می‌کند که تحقیقات آینده بر بررسی تأثیر این رویکرد دیوان بر اصول راهنمای مسئولیت مشترک و تعامل آن با روبه دیوان بین‌المللی دادگستری تمرکز کند، به ویژه در پرونده‌هایی مانند «اوکراین و هلند علیه روسیه»، که انتقال غیرقانونی کودکان را به عنوان نمونه‌ای از هدایت دولتی در سرزمین‌های اشغالی تلقی می‌کند. این امر نه تنها به غنای گفتمان

حقوقی کمک می‌کند، بلکه تضمین می‌نماید که نظام حقوق بشر اروپایی در برابر تحولات ژئوپلیتیکی مقاوم باقی بماند و عدالت را برای قربانیان نقض‌های سیستماتیک فراهم آورد.

کتابنامه

منابع فارسی

احمدی بختیاری، دلارام و سید هادی محمودی. «چالش‌های دعوای مسئولیت بین‌المللی مشترک در محاکم بین‌المللی». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۵، ش. ۲، (۱۴۰۴): ۱۰۳۵-۱۰۵۵.

بیگ زاده، ابراهیم و احمدرضا آذرپندار. «تفسیر دیوان اروپایی حقوق بشر از حق بر آزادی و نقش آن در تبیین مفهوم مصالح عالی‌ه کودک در فرآیند پناهندگی». مطالعات حقوقی، ۱۷، ش. ۱ (۱۴۰۴): ۷-۳۲.

خوشدل، سحر. «اوکراین علیه روسیه (در مورد کریمه): دیوان اروپایی حقوق بشر تمام ادعاها را قابل پذیرش می‌داند». وبلاگ آکادمی بیگدلی، ۹ مهر ۱۴۰۳. دسترسی در ۳ اکتبر ۲۰۲۵.

<https://bigdeliacademy.com/1403/07/09/ukraine-sahar-khoshdel>.

راعی، مسعود. «کنترل کلی یا کنترل موثر عاملی برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؟» مطالعات حقوق خصوصی ۳۹، ش. ۳ (۱۳۸۸): ۱۵۵-۱۷۵.

رودباری، علی. «حکم دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده گرجستان علیه روسیه». وبلاگ آکادمی بیگدلی، ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰. دسترسی در ۳ اکتبر ۲۰۲۵.

<https://bigdeliacademy.com/1400/02/16/european-court-verdict-into-georgiavsruussia-case-aliroodbari>.

زمانی، سید قاسم. «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال شرکت‌های خصوصی از منظر حقوق بین‌الملل». فصلنامه حقوق عمومی ۱۵ (۱۳۹۴): ۱۱۹-۱۴۲.

سادات‌اخوی، سیدعلی و حوریه حسینی اکبرنژاد. «اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در روبه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر». مطالعات حقوق خصوصی ۳۹، ش. ۴ (۱۳۸۸): ۲۳۹-۲۶۶.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا و نسرین طرازی. «تحلیل قواعد انتساب در مسئولیت بین‌المللی مشترک». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۵۱، ش. ۱ (۱۴۰۰): ۸۱-۱۰۲.

ملکی‌زاده، امیرحسین. «ضابطه کنترل در نظام مسئولیت بین‌المللی؛ وحدت یا تعارض روبه قضایی بین‌المللی». مجله حقوقی دادگستری ۷۷، ش. ۸۲ (۱۳۹۲): ۱۵۹-۱۸۲.

Ahmadi Bakhtiari, Delaram, and Seyed Hadi Mahmoudi. "Challenges of Joint International Responsibility Claims in International Courts." *Public Law Studies Quarterly* 55, no. 2 (2025): 1035-1055. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2024.373675.3496> (In Persian).

Sadat Akhavi, Seyed Ali, and Huriye Hosseini Akbarnejad. "Extraterritorial Application of the European Convention on Human Rights in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights." *Private Law Studies* 39, no. 4 (2009): 239-266 (In Persian).

Ziaei Bigdeli, Mohammad Reza, and Nasrin Tarazi. "Analysis of Attribution Rules in Shared International Responsibility." *Public Law Studies Quarterly* 51, no. 1 (2021): 81-102. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.281810.2022> (In Persian).

Malekizadeh, Amir Hossein. "The Control Criterion in the International Responsibility System; Unity or Conflict of International Jurisprudence." *Judicial Law Journal* 77, no. 82 (2013): 159-182. doi: 10.22106/ijl.2013.10830 (In Persian).

منابع لاتین

Abilova, Farid, and Farhad Mirzayev. "Who Has Effective Control in Azerbaijan's Karabakh Region?" *EJIL: Talk!* (blog), July 4, 2022.

<https://www.ejiltalk.org/who-has-effective-control-in-azerbajians-karabakh-region/>.

Aust, Helmut Philipp. "The Nagorno-Karabakh Conflict and Attribution." *German Yearbook of International Law* 59 (2016): 123-145.

Boutin, Bérénice. "Attributing Conduct in the Law of State Responsibility: Lessons from Dutch Courts Applying the Control Standard in the Context of International Military Operations." *Utrecht Journal of International and European Law* 37, no. 1 (2022): 62-80. <https://doi.org/10.5334/ujiel.546>.

Council of Europe. *European Convention on Human Rights*. 4 November 1950, ETS 5.

Crawford, James. *State Responsibility: The General Part*. Cambridge: Cambridge University Press, 2013.

De Schutter, Olivier. "Human Rights and the Rise of International Organisations." *Human Rights and International Legal Discourse* 5, no. 1 (2011): 51–67.

European Court of Human Rights. "Guide on Article 1 of the European Convention on Human Rights: Obligation to Respect Human Rights – Concepts of 'Jurisdiction' and Imputability." Updated February 20, 2024. <https://ks.echr.coe.int/documents/d/echr-ks/guide-on-article-1-obligation-to-respect-human-rights>.

Gaja, Giorgio. "Third Report on Responsibility of International Organizations." UN Doc. A/CN.4/553 (2005).

Galand, Riccardo. "Azerbaijan v. Armenia before the European Court of Human Rights: Revisiting the Effective Control Test after the '44-Day War'." *Opinio Juris* (blog), April 8, 2022. <http://opiniojuris.org/2022/04/08/azerbaijan-v-armenia-before-the-european-court-of-human-rights-revisiting-the-effective-control-test-after-the-44-day-war/>.

International Law Commission. "Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts." In *Yearbook of the International Law Commission*, vol. II, part 2. UN Doc. A/56/10 (2001).

———. "Draft Articles on Responsibility of International Organizations." In *Yearbook of the International Law Commission*, vol. II, part 2. UN Doc. A/66/10 (2011).

Knuckey, Jennifer. "Hassan v. UK: A New Approach to Security Detention in Armed Conflict?" *Just Security* (blog), September 16, 2014. <https://www.justsecurity.org/15018/hassan-v-uk-new-approach-security-detention-armed-conflict/>.

Lavrysen, Laurens. *Human Rights in a Positive State: Rethinking the Relationship between Positive Obligations and the European Convention on Human Rights*. Cambridge: Intersentia, 2016.

Longobardo, Marco. "Occupation and Attribution in Ukraine v. Russia." *Leiden Journal of International Law* 35, no. 2 (2022): 345–367.

———. "The 2021 ECtHR Decision in Georgia v Russia (II) and the Application of Human Rights Law to Extraterritorial Hostilities." *Israel Law Review* 55, no. 1 (2022): 3–31. <https://doi.org/10.1017/S0021223721000233>.

Milanović, Marko. *Extraterritorial Application of Human Rights Treaties: Law, Principles, and Policy*. Oxford: Oxford University Press, 2011.

———. "European Court Decides Al-Skeini and Al-Jedda." *EJIL: Talk!* (blog), July 7, 2011. <https://www.ejiltalk.org/european-court-decides-al-skeini-and-al-jedda/>.

———. "Intelligence Sharing in Multinational Military Operations and Complicity under International Law." *International Law Studies* 97 (2021): 1099–1127. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3930712.

Nollkaemper, André. "Special Rules of Attribution of Conduct in International Law." *International Law Studies* 96 (2020): 1–64. <https://digital-commons.usnwc.edu/ils/vol96/iss1/1/>.

Nollkaemper, André, and Dov Jacobs, eds. *Distribution of Responsibilities in International Law*. Cambridge: Cambridge University Press, 2015.

Nollkaemper, André, and Others. "Guiding Principles on Shared Responsibility in International Law." *European Journal of International Law* 31, no. 1 (2020): 15–72.

Promo-LEX. "Russia Refuses to Comply with ECHR Judgments in Transnistrian Cases." *IPN*, July 16, 2025. <https://ipn.md/en/promo-lex-russia-refuses-to-comply-with-echr-judgments-in-transnistrian-cases/>.

Reinisch, August. "Aid or Assistance and Direction and Control between States and International Organizations in the Commission of Internationally Wrongful Acts." *International Organizations Law Review* 7 (2010): 63–77.

Risini, Isabella. "Aid and Control in Mozer." *International Organizations Law Review* 15, no. 2 (2018): 234–256.

———. "Human Rights in the Line of Fire: Georgia v Russia (II) before the European Court of Human Rights." *Verfassungsblog* (blog), January 28, 2021. <https://verfassungsblog.de/human-rights-in-the-line-of-fire/>.

Ryngaert, Cedric. *Jurisdiction in International Law*. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press, 2015.

Salomon, Samantha. "Economic Control and Attribution in International Law." *Human Rights Law Review* 20, no. 3 (2020): 456–478.

Sari, Aurel. "Untangling Extraterritorial Jurisdiction from International Responsibility in Jaloud v. Netherlands." *Journal of International Criminal Justice* 13, no. 2 (2015): 287–308.

آرای قضایی

دیوان اروپایی حقوق بشر (ECtHR)

- *Al-Jedda v. United Kingdom*, Application no. 27021/08, Judgment (Grand Chamber), 7 July 2011.
- *Behrami and Saramati v. France and Norway*, Application nos. 71412/01 and 78166/01, Judgment (Grand Chamber), 2 May 2007.
- *Catan and Others v. Moldova and Russia*, Application no. 43370/04, Judgment (Grand Chamber), 19 October 2012.
- *Chiragov and Others v. Armenia*, Application no. 13216/05, Judgment (Grand Chamber), 16 June 2015.

- *Georgia v. Russia (II)*, Application no. 38263/08, Judgment (Grand Chamber), 21 January 2021.
- *Hassan v. United Kingdom*, Application no. 29750/09, Judgment (Grand Chamber), 16 September 2014.
- *Jaloud v. Netherlands*, Application no. 47708/08, Judgment (Grand Chamber), 20 November 2014.
- *Loizidou v. Turkey* (Preliminary Objections), Application no. 15318/89, Judgment, 18 December 1996.
- *Mozer v. Moldova and Russia*, Application no. 11138/10, Judgment (Grand Chamber), 23 February 2016.
- *Nada v. Switzerland*, Application no. 10593/08, Judgment (Grand Chamber), 12 September 2012.
- *Rantsev v. Cyprus and Russia*, Application no. 25965/04, Judgment, 7 January 2010.
- *Ukraine and the Netherlands v. Russia*, Applications nos. 8019/16, 43800/14, 28525/20, and 11055/22, Judgment (Grand Chamber), 9 July 2025.
- *Ukraine v. Russia (re Crimea)*, Applications nos. 20958/14 and 38334/18, Decision (Grand Chamber), 16 December 2020.

ديوان بين المللى دادگستري (ICJ)

- *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*, Judgment, I.C.J. Reports 1986, p. 14.
- "The Court Finds That It Has Jurisdiction on the Basis of Article 22 of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination." ICJ Press Release, 12 November 2024.

<https://www.icj-cij.org/node/204328>.